

اعتبار حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه» از دیدگاه فریقین*

عبدالمجید زهادت**

چکیده

حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» از احادیث مشترک است و به صورت متواتر مضمون این حدیث در کتب معتبر نزد فریقین آمده است.

حدیث من مات با همین نقل در کلمات دانشمندانی نظیر قاضی عبدالجبار معتزلی در *معنی*، حمیدی در *الجمع بین الصحیحین*، سعدالدین تفتازانی در *شرح مقاصد و شرح عقائد* نسفی، احمد بن یحیی صنعانی در *البحر الزخار* و ملاعلی قاری در *خاتمة الجواهر المضمیة فی طبقات الحنفیه* آمده است. گرچه برخی از نویسندگان نظیر ابوالحسن اشعری، شهرستانی و صفدی نقل حدیث مذکور را مختص به فرقه خاصی دانسته‌اند و شدیدتر از اینها ابن تمیمه حرانی است که با قسم جلاله صدور حدیث را با این لفظ انکار کرده و ناصرالدین البانی هم آن را در سلسله ضعیفه آورده است و سامی نثار هم آن را تلاشی برای تصحیح مذهب شیعی می‌داند. با این حال، ملاحظه وحدت مضمون با فراوانی نقل، سخن مخالفان صدور حدیث را باطل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حدیث من مات، نقلهای گوناگون، فریقین، مضمون واحد، مخالفان.

تاریخ تأیید: ۸۹/۹/۲۷

* تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۷

** عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، قم.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل وحدت و همدلی بین مسلمانان، تأکید بر مشترکات است، بلکه تنها راه گفت‌وگو و تعامل بین پیروان مذاهب توجه و تأکید بر اموری است که برای همه قابل پذیرش است. حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه» از احادیث مشترک و مورد قبول همه فرق اسلامی است و بحث پیرامون محتوا و دلالت آن وسیله‌ای برای تقریب بین مسلمانان می‌نماید. در بین نویسندگان، شمار اندکی صدور حدیث با این نقل را به شدت انکار کرده و آن را از مختصات فرقه امامیه دانسته‌اند. بحث پیرامون اعتبار حدیث «من مات» نزد فریقین، مقدمه‌ای برای موضوع مهم و بررسی محتوا و مدلول حدیث و زمینه‌ای برای ورود به بحث امامت و جانشینی نبی مکرم ﷺ است.

در این تحقیق سعی بر آن است که با مراجعه به منابع معتبر نزد اهل سنت، اعتبار و قابل قبول بودن این حدیث نزد همه مسلمانان به اثبات برسد و معلوم شود عده کمی که در اعتبار حدیث تشکیک کرده‌اند، انکارشان مبتنی بر قواعد و ضوابط نیست، بلکه خلاف چیزی است که مورد تسالم است.

۱. اعتبار در حدیث نزد امامیه

استناد حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» به نبی مکرم ﷺ نزد علمای امامیه قطعی و مسلم است. آنان با الفاظی نظیر تظافر، استفاضه، شهرت، تواتر، اتفاق، اجماع و قبول کل، این حدیث را مقبول عندالفریقین می‌دانند.

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در الافصاح آورده است: و «اما الخبر المتواتر عن النبی ﷺ انه قال: «من مات وهو لا يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (مفید، (ب) ۱۴۱۲: ۲۸). قابل ذکر است که اختلاف اندک در کلمه «و هو لا يعرف» به جای کلمه «و لم يعرف» مورد اغماض قرار گرفته است.

و در کتاب *رسائل فی الغیبة* آورد: «سأل سائل فقال: اخبرونی عما روی عن النبی ﷺ انه قال: من مات وهو لا يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة، هل هو ثابت صحیح ام هو معتل سقیم؟ الجواب- وبالله التوفیق والثقة. قيل له: بل هو خبر صحیح یشهد له اجماع اهل الآثار ویقوی معناه صریح القرآن» (همو، (ج) ۱۴۱۴: ۱، ۱۲).

سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) می‌نویسد: «فان النقل عن صاحب الشریعة النبویة ورد متظاهراً انه



من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (سید بن طاووس، ۱۴۱۵: ۲، ۲۵۲).
 علی بن یوسف عاملی (م ۸۷۷ق) آورده است: «قد اجمع المسلمون علی قوله: من مات ولم
 يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (عاملی، ۱۳۸۴: ۱، ۱۱۱).
 شهید ثانی (م ۹۶۶ق) درباره حدیث می نویسد: «انه من مشاهیر الاحادیث بین السنة و الشیعة- و
 ان السنة اوردوه فی کتب اصولهم وفروعهم» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۵۱).
 محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق) می نویسد: «وفی الاخبار ما یدل علی ان ذلك انکار امامة الائمة الاثنی
 عشر) کفر مثل الخبر المستفیض بل مقبول الكل من لم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (اردبیلی،
 ۱۴۱۴: ۱۲، ۲۹۹). همو در حاشیه بر شرح قوشچی می نویسد: «روی بطرق متعددة من طرق
 الخاصة و العامة بل کاد ان يكون متواتراً یقیناً عنه ﷺ: من مات و لم يعرف امام زمانه مات
 میتة جاهلیة» (همان، ۱۴۱۷: ۱۷۹).
 شیخ بهایی (م ۱۰۱۳ق) می نویسد: «الحديث المتفق علیه بین الخاصة و العامة من قوله ﷺ من
 مات ولم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (شیخ بهایی، ۱۴۲۲: ۴۳۱).
 قاضی نور الله تستری (م ۱۰۱۹ق) می نویسد: «الحديث المشهور المتفق علیه من قوله من مات
 ولم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (تستری، ۱۳۶۷: ۸۹).
 مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در بحار می نویسد: «قد روت العامة و الخاصة متواتراً من مات ولم يعرف
 امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸، ۳۶۶ و ۲۹، ۳۸). نظیر این ادعا در *مرآت العقول*
 نیز آمده است (همو، ۱۴۲۱: ۴، ۲۷ و ۷، ۱۱۳).
 ماحوزی (م ۱۱۱۲ق) می نویسد: «من الاخبار المستفیضة المتفق علیها بین علماء الاسلام
 قوله ﷺ: من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (ماحوزی، ۱۴۱۷: ۲۲۳).
 بحرانی (م ۱۱۸۶ق) می نویسد: «ما اشتهر من قوله ﷺ من مات ولم يعرف امام زمانه مات
 میتةً جاهلیة» (بحرانی، ۱۳۶۳: ۵، ۱۶).
 کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق) می نویسد: «ما تواتر من الجانبین من السنة المحمدية ان من مات
 ولم يعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیة» (کاشف الغطاء، بی تا: ۱، ۶).
 از آنچه گذشت معلوم می شود علمای امامیه این حدیث را با توجه به وحدت مضمون در
 نقلهای گوناگون مسلم و مقبول عند الفریقین می دانند و تعابیر گوناگون شهرت و استفاضه و اجماع
 و تواتر اشاره به یک مطلب است.

۲. متنهاى گوناگون

علاوه بر متن معروف «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية»، متنهاى ديگرى كه نزديك به اين متن است و يا همان مفهوم را مى‌رساند در كتب اماميه آمده است:

«من مات وهو لا يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (برقى، ۱۳۷۰: ۱، ۹۲ و ۱۵۴). در *افصاح واقتصاد* نيز حديث با همين لفظ آمده است (مفيد، (ب) ۱۴۱۴: ۲۸؛ طوسى، ۱۴۰۰: ۲۲۶).

«فمن مات و ليس له امام يعرفه مات ميتة جاهلية» (هلالى، بى تا: ۴۵۲).

«من مات من امتى و ليس له امام منهم يعرفه فهى ميتة جاهلية» (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۱۴).

«من مات ولا يعرف امامه مات ميتة جاهلية» (كلينى، ۱۳۸۸: ۱، ۳۷۷، ۲ و ۲۰، ۲). با همين لفظ در كتاب *فضائل امير المؤمنين* (ابن عقده كوفى، بى تا: ۱۴۶) و كتاب *دلائل الامامة* (طبرى، ۱۴۱۳: ۳۳۷) و كتاب *الغيبية* (نعمانى، ۱۴۲۲: ۱۲۹) آمده است.

«من مات لا يعرف امام دهره حيا مات ميتة جاهلية» (مغربى، ۱۳۸۳: ۱، ۲۵). *جامع احاديث الشيعة* حديث *دعائم الاسلام* را به لفظ «و لم يعرف» آورده است (بروجردى، ۱۳۹۹: ۲۶، ۵۶).

«من مات لا يعرفهم باسمائهم و اسماء آبائهم» (خرانى، ۱۴۰۴: ۴۱۶). در كتاب *عيون اخبار الرضا* به لفظ «من مات و لم يعرفهم مات ميتة جاهلية» آمده است (صدوق، ۱۴۰۴: ۱، ۱۳۰).

«من بات ليلة لا يعرف فيها امامه مات ميتة جاهلية» (نعمانى، ۱۴۲۲: ۱۲۶).

در كتاب *اختصاص* «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» (مفيد، ۱۴۱۴: ۲۶۸).

«من مات بغير امام جماعة مات ميتة جاهلية» (برقى، ۱۳۷۰: ۱، ۱۵۵).

«من مات وليس له امام فموتة ميتة جاهلية» (همان).

«من مات وليس له امام من ولدى مات ميتة جاهلية» (صدوق، ۱۴۰۴: ۱، ۶۳).

«من مات وليس له امام من ائمة الهدى مات ميتة جاهلية» (صفار، ۱۴۰۴: ۵۲۹ و ۵۳۰). نزديك به همين عبارت در كتاب سليم بن قيس هلالى و *كمال الدين* آمده است (هلالى، همان: ۴۲۵) (صدوق، ۱۴۰۵: ۶۶۸ و ۴۱۲). در كتاب *محاسن* با لفظ «من مات و ليس له امام فموتة ميتة جاهلية» آمده است (برقى، ۱۳۷۰: ۱، ۱۵۵).

«من مات وليس له امام يسمع له و يطيع مات ميتة جاهلية» (صدوق، ۱۴۱۴: ۲۵). در كتاب *اختصاص* با همين لفظ آمده است (مفيد، (الف) ۱۴۱۴: ۲۹۶).

در كتاب *ملاحم* «من مات وليس فى عنقه بيعة لامام مات ميتة جاهلية» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۷). نزديك به همين عبارت در كتاب *الفصول المختارة* (مفيد، (د) ۱۴۱۴: ۲۴۵) و *كنز*

طالع

سال نهم - شماره ۳۴ - زمستان ۱۳۸۹

۱۲۲

الفوائد (کراجکی، ۱۳۶۹: ۱۵۲) و عمدہ (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۳۱۹) آمده است.
 «من مات و لیس علیہ امام مات میتةً جاهلیةً» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۷۹). نظیر همین عبارت در **الخرائج و ایضاح** آمده است (راوندی، ۱۴۰۹: ۸۶۱، ۲؛ ابن شاذان، ۱۳۶۳: ۷۵) آمده است.
 «من مات و لیس علیہ امام حی یعرفہ مات میتةً جاهلیةً» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۵۱).
 «من مات و لیس علیہ امام حی ظاهر مات میتةً جاهلیةً» (مفید، ۱۴۱۴: ۲۶۸).
 «من اصبح من هذه الامة لا امام له من الله عز وجل اصبح ضالاً تائهاً و ان مات علی هذه الحالة مات میتةً کفر و نفاق» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۸۴، ۱).
 مضمون واحد با الفاظ گوناگون ولی متقارب، مؤید صدور اصل مطلب است می‌توان گفت اختلاف اندک در الفاظ روایات به لحاظ شرایط و ظروف مختلف است.

۳. «من مات ولم یعرف امام زمانه» در کتب غیر امامیه
 از یحیی بن الحسین (م ۲۹۸ق) نقل شده است: قال ص «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتةً الجاهلیة» (صعدی، بی‌تا: ۱۶۹، ۱).
 از قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵) در کتاب **معنی** نقل شده است: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً» (فقیه ایمانی، ۱۴۱۲: ۳۴).
 از حمیدی (م ۴۸۸ق) در کتاب **الجمع بین الصحیحین** نقل شده است: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً» (صافی، ۱۳۹۷: ۱۴۱).
 فخر رازی (م ۶۰۶ق) در کتاب **المسائل الخمسون** می‌نویسد: «یجب معرفة الامام و برهانه ان النبی ﷺ قال: من مات ولم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیاً وان شاء نصرانیاً» (رازی، بی‌تا: ۷۱).
 ملاسعد تفتازانی (م ۷۹۲ق) در **شرح مقاصد**، در بحث لزوم نصب امام سمعاً، پس از تمسک به آیه اولی الامر این حدیث را مسلم گرفته و به آن تمسک می‌کند: «و لقلوبه ﷺ: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً». سپس می‌گوید: «فان وجوب الطاعة و المعرفة یقتضی وجوب الحصول» (تفتازانی، ۱۴۲۲: ۳، ۴۷۶).
 و نیز در شرح **عقائد نسفی** برای سمعی بودن وجوب امامت بر خلق می‌گوید: «المذهب انه یجب علی الخلق سمعاً لقلوبه ﷺ: من مات من اهل القبلة ولم یعرف امام زمانه مات میتةً جاهلیةً» (تفتازانی، بی‌تا: ۲۳۲).

احمد بن یحیی صنعانی (م ۸۴۰ق) در کتاب **البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار**

می نویسد: «مسأله و قوله ﷺ «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» اراد وجوب معرفة- داعی الوقت فیتبع مع الكمال» (صنعانی، بی تا: ۱۶، ۱۱۰).

ملا علی قاری حنفی (م ۱۰۱۴ق) صاحب کتاب *مرقاة* در خاتمه کتاب *الجواهر المضية* می نویسد: «و قوله ﷺ فی صحیح مسلم من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» معناه: «من لم يعرف من يجب عليه الاقتداء و الاهتداء به فی اوانه». ودر جای دیگر می نویسد: «واما قوله ﷺ فیما رواه مسلم من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية، فان اهل الجاهلية ماكان لهم شرع» (قاری، بی تا: ۲، ۴۵۷).

و در کتاب *مرقاة المفاتيح* شرح کتاب *مشكاة المصابيح*، بعد از بیان حدیث «من مات وليس فی عنقه بیعه مات ميتة جاهلية» می نویسد: «وهو معنی ما اشتهر علی اللسانة- و ذكره السعد فی شرح العقائد من حدیث من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (قاری، ۱۴۲۲: ۷، ۲۳۴). برسوی حقی (م ۱۱۳۷ق) در تفسیر *روح البیان* ذیل آیه ۱۹ سوره نمل می نویسد: «فلا بد من معرفة امام الوقت و الانقیاد له طوعاً كما قال ﷺ من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (برسوی حقی، ۱۴۱۰: ۶، ۲۴۵).

قندوزی (م ۱۲۹۴ق) در کتاب *ینابیع المودة* می نویسد: «وفی المناقب بالسند عن عیسی بن السری قال قلت لجعفر الصادق... قال رسول الله «من مات لا يعرف امامه مات ميتة جاهلية» (قندوزی، ۱۴۱۶: ۱، ۳۵۱).

این نقل به امام الحرمین جوینی (م ۴۷۸ق) نیز قابل انتساب است در کتاب *لمع الأدلة فی قواعد اهل السنة و الجماعة* آمده است: «و اقامة الخلافة واجبة- علی الناس لا علی الله لان الرسول ﷺ قال: من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (سعید فوده، بی تا: ۱۲). ابن ابی الحدید (م ۶۵۶ق) در شرح سخن امام امیر المؤمنین ﷺ: «ولا یدخل الجنة- الا من عرفهم»، پس از نقل حدیث به لفظ «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» می گوید: واصحابنا كافة قائلون بصحة هذه القضية وهي انه لا یدخل الجنة الا من عرف الائمة» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۹، ۱۵۵). در این عبارت مفهوم حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه» پذیرفته شده است.

۴. مخالفان صدور حدیث

ناصرالدین البانی به پیروی از ابن تیمیہ حرانی، صدور حدیث را به لفظ «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» به شدت انکار کرده است. وی در *سلسله ضعیفه* می گوید: «لا اصل له بهذا اللفظ وقد قال الشيخ ابن تیمیة و الله ما قاله رسول الله ﷺ هكذا» (البانی، بی تا: ۱، ۵۲۵ و ۵، ۸۷).

قبل از این دونفر، اشعری (م ۳۲۴ق) در *مقالات الاسلامیین* و شهرستانی (م ۵۴۸ق) در *ملل و نحل* و صفدی (م ۷۶۴ق) در *الوافی بالوفیات*، اعتقاد به وجوب معرفت امام را از مختصات فرقه خاصی از مسلمانان دانسته‌اند.

اشعری می‌نویسد: «واختلفت الرافض فی الائمة هل یسمع جهلهم وهل الواجب عرفانهم.... وهم اربع فرق فالفرقة الاولى یزعمون ان معرفة الامام واجبة ... وان من جهل الامام مات میتة جاهلیة» (اشعری، ۱۴۱۰: ۱، ۴۹).

شهرستانی درباره اسماعیلیه می‌نویسد: «و من مذهبه ان من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة و كذلك من مات ولم یکن فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» (شهرستانی، بی تا: ۱، ۵۶). صفدی در شرح عقائد اسماعیلیه می‌گوید: «ومن مذهبه ان من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (صفدی، ۱۴۲۰: ۳، ۲۰۵).

ابن تمیمه حرانی در *منهاج السنة* می‌نویسد: «الوجه السادس قوله فقال رسول الله من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة فیقال له: من روى هذا الحديث بهذا الاسناد واین اسناده و کیف یجوز ان یحتج بقول النبی ﷺ من غیر بیان الطریق الذی به یشیت ان النبی ص قاله هذا لو كان مجهول الحال عند اهل العلم بالحديث فكيف وهذا الحديث بهذا اللفظ لا یعرف» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱، ۱۱۰).

و سامی نشار می‌نویسد: «الحديث الشيعي من مات و لم یعرف امامه مات میتة جاهلیة» (سامی نشار، بی تا: ۲، ۲۲۶)

۵. الفاظ دیگر حدیث «من مات» در کتب غیر امامیه

به غیر از منابعی که از غیر امامیه در حدیث «من مات ولم یعرف امام زمانه» درمباحث قبل ذکر شده، الفاظ دیگری در کتب معتبر آنها نقل شده است که در مجموع می‌توان ادعای تواتر نمود. از جمله:

«من مات بغير امام مات میتة جاهلیة» (ابو داوود، بی تا: ۲۵۹؛ احمد حنبل، بی تا: ۴، ۹۶؛ طبرانی، بی تا: ۳۸۸، ۱۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱، ۱۰۳).

این عبارت در منابع امامیه از طریق ائمه علیهم السلام نیز نقل شده است: (برقی، ۱۳۳۰: ۱، ۱۵۵؛ مفید، ۱۴۱۴: ۱۸۶).

«من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة». این لفظ حدیث را ضمن جریان بیعت عبد الله بن عمر با حجاج نقل کرده‌اند: (اسکافی، ۱۴۰۲: ۲۴؛ جاحظ، ۱۳۷۴: ۳۰۱).

«من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية» (خلال، ۱۴۱۰: ۸۱، ۱: ابن حبان، ۱۴۱۴: ۱۰، ۳۴۳. با همين لفظ و الفاظ نزديک در مصادر اماميه هم آمده است

«من مات وليس عليه امام مات ميتة جاهلية» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۴۸۹؛ ابویعلی، ۱۴۱۲: ۳۶۶، ۱۳؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۷۰۶؛ هيثمی، ۱۴۰۸: ۲۲۵، ۵). در منابع اماميه نيز اين حديث با همين لفظ و الفاظ نزديک آمده است.

«من مات وليس عليه امام فقد مات ميتة جاهلية» (دولابی، ۱۴۲۱: ۶۳۵، ۲).

«من مات وليس عليه امام جماعة فان موته مودة جاهلية» (حاکم نیشابوری، بی تا: ۱، ۷۵ و ۱۱۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱، ۲۰۷). اين حديث بالفظ «فان ميتته ميتة جاهلية» (نووی، بی تا: ۱۹، ۱۹۰) نيز آمده است.

«من مات ولا بيعة عليه مات ميتة جاهلية» (ابن سعد، بی تا: ۱۴۴، ۵؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۷۹، ۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۰۳، ۱) که مربوط است به جريان بيعت عبد الله بن عمر با حجاج.

«من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» (مسلم، بی تا: ۲۲۶؛ حمیدی، ۱۴۲۳: ۲، ۲۹۶؛ بیهقی، بی تا: ۱۵۶، ۸).

«من مات وليس في عنقه لامام المسلمين بيعة فميتته ميتة جاهلية» (زمخشري، ۱۴۱۲: ۵، ۱۶۹).

«من مات ليله وليس في عنقه بيعة امام مات ميتة جاهلية» (ابن حزم، بی تا: ۱، ۴۵).

«من مات ولا طاعه عليه مات ميتة جاهلية» (ابن ابی شيبه، ۱۴۰۹: ۴۵۷، ۷؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۵۰۴، ۲؛ طرسوسی، ۱۳۹۳: ۲۸، ۱).

«من مات وليس عليه طاعة مات ميتة جاهلية» (بغوی، ۱۴۱۰: ۳۳۰، ۱؛ احمد حنبل، بی تا: ۴۴۶، ۳؛ طبرانی، ۱۴۱۷: ۸۶، ۲۰).

«من مات وليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۲، ۴۸۶؛ طبرانی، ۱۴۱۷: ۸۶، ۲۰).

«من اصبح ليس لامير جماعة عليه طاعة بعثه الله يوم القيامة من ميتة جاهلية» (هيثمی، ۱۴۰۸: ۵، ۲۱۹).

«من اصبح ليس عليه امير جماعة و لا لامير جماعة عليه طاعة بعثه الله يوم القيامة» و ميتته جاهلية» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳: ۴۸۶).

«و من مات ليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية» (طبرانی، ۱۴۱۷: ۸۶، ۲۰).

«ومن مات في غير طاعة مات ميتة جاهلية» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۸۷، ۷).

طالع

سال نهم - شماره ۳۴ - زمستان ۱۳۸۹

۱۲۶

۶. تذکر چند نکته

۱. ادعای تواتر عند الفریقین در نقل حدیث به لفظ «من مات و لم یعرف امامه زمانه مات میتة جاهلیة» به لحاظ وحدت مضمون و معنای حدیث است و این لفظ هر چند در کتابهای دانشمندان غیر امامی نیز آمده است، لکن در منابع حدیثی معتبر موجود یافت نشده است. در جلد ۱۴ ملحقات *احقاق الحق* تحت عنوان «ایقاظ و ازاحه - اشتباه» از نقل مستقیم و بلاواسطه حدیث از *صحیح مسلم* اظهار تأسف شده و نقل از *صحیح مسلم* را به شیخ محیی الدین ابو محمد عبد القادر بن ابی الوفاء (م ۷۷۵ق) در کتاب *الجواهر المضية* نسبت داده‌اند.

البته مقصود نویسنده، خاتمه کتاب *الجواهر المضية فی طبقات الحنفیة* نوشته ملا علی قاری حنفی (م ۱۰۱۴ق) است. هر چند ممکن است «من مات و لم یعرف امامه زمانه مات میتة جاهلیة» در عبارت ملا علی قاری در خاتمه *الجواهر المضية* به لحاظ وحدت مضمون حدیث باشد. شاهد بر این احتمال، عبارت ملا علی قاری در کتاب حدیثی ایشان یعنی *مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح* است. در متن حدیث از *صحیح مسلم* نقل شده است و ملا علی قاری در شرح می‌گوید: «و هو معنی ما اشتهر علی الاسنة و ذکره السعد فی شرح العقائد من حدیث من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة».

این عبارت به وضوح اعتقاد ایشان را به وحدت مضمون و معنا ثابت می‌کند و انتساب «من مات و لم یعرف امام زمانه» به سعد تفتازانی در *شرح عقائد نسفی* و عدم انتساب آن به *صحیح مسلم* مؤید این مطلب است که اگر در جایی به *صحیح مسلم* هم انتساب داده به لحاظ وحدت مضمون است.

۲. با توضیحی که گذشت، احتمال تحریف و حذف حدیث از *صحیح مسلم* با بیانی که در کتاب *الامام علی بن ابی طالب* آمده، چندان قوی به نظر نمی‌رسد. نویسنده پس از نقل «ایقاظ و ازاحه اشتباه» از ملحقات *احقاق حق* می‌نویسد: «و ان كان الحدیث موجوداً و عثر علیه لم یحتج الی هذا الکلام و لا الی ایقاظ و ازاحه اشتباه» (رحمانی، ۱۴۱۷: ۵۶۵).

نویسنده زمانی می‌تواند نبودن حدیث به لفظ «من مات و لم یعرف امام زمانه» در نسخه موجود از *صحیح مسلم* را دلیل یا مؤید تحریف و حذف بگیرد که از کتاب معتبری این حدیث را نقل کند که به وضوح به *صحیح مسلم* استناد داده باشد. صرف پیدا نکردن حدیث در *صحیح* به وسیله نویسنده ملحقات *احقاق الحق* نمی‌تواند دلیل یا مؤیدی بر تحریف باشد.

۳. سخن ابن تیمیه و انکار صدور حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه» با قسم جلاله،

حکایت از نصب و عداوت او نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارد و حرف علمی نیست که نیاز به پاسخ علمی داشته باشد، زیرا «والله ما قاله رسول الله هكذا» در مواردی گفته می‌شود که کفر صریح و مطلب باطلی به نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نسبت داده شود که غیر قابل تأویل هم باشد.

عداوت و کینه توزی و دشمنی ابن تیمیه به قدری آشکار است که صاحب *لسان*

المیزان می‌نویسد:

«وجدته كثير التحامل الى الغاية في رد الاحاديث التي يوردها ابن المطهر و ان كان معظم ذلك من الموضوعات و الوهيات لكنه رد في رده كثيراً من الاحاديث الجياد التي لم يستظهر حالة التصنيف مظانها لانه كان لا تساعه في الحفظ يتكل على ما في صدره و الانسان عامد للنسيان و كم من مبالغة لتوهين كلام الرافضي ادته احياناً الى تنقيص على رضى الله عنه» (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۳۱۹، ۶).

حتی ناصر الدین البانی، امام سلفیه در عصر حاضر و مروج افکار ابن تیمیه، در سلسله صحیحہ ذیل حدیث «و هو ولی کل مؤمن بعدی» بعد از تصحیح حدیث می‌نویسد: «فمن العجیب حقاً ان يتجرأ شيخ الاسلام ابن تیمیة على انكار هذا الحديث و تكذيبه في منهاج السنة». آنگاه پس از تأیید و قبول تفسیر به رأی و تأویل ابن تیمیه نسبت به حدیث می‌نویسد: «فلا ادري بعد ذلك وجه تكذيبه للحديث الا التسرع و المبالغة في الرد على الشيعة» (البانی، بی تا: ۵، ۲۶۰).

۴. ادعای شیعی بودن این حدیث و اختصاص آن به فرقه خاص نیز با آنچه گذشت، غیر قابل قبول است، زیرا اکابر علمای غیر امامی که حدیث را با همین لفظ «من مات و لم يعرف امام زمانه» نقل کرده‌اند، یا آن را در منبع حدیث معتبری دیده‌اند و یا محتوا و مضمون آن را با سایر احادیث متحد می‌دانسته‌اند.

طالع

سال نهم - شماره ۳۴ - زمستان ۱۳۸۹

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابن ابی عاصم، ابی بکر عمرو، ۱۴۱۳ق، *كتاب السنة*، تحقيق ناصر الدين الباني، بيروت، المكتب الاسلامي، سوم.
۲. ابن ابی شبيهه كوفي، ابراهيم بن عثمان، ۱۴۰۹ق، *المصنف*، تحقيق سعيد اللحام، بيروت، دارالفكر.
۳. ابن بطريق، يحيى بن حسن اسدي، ۱۴۰۷ق، *عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار*، قم، مؤسسه نشر اسلامي، اول.
۴. ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم، ۱۴۰۶ق، *منهاج السنة النبوية*، تحقيق محمد رشاد سالم، بی جا، مؤسسه قرطبه، اول.
۵. ابن حبان، محمد بن احمد ابو حاتم التميمي، ۱۴۱۴ق، *صحيح ابن حبان*، تحقيق شعيب ارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، دوم.
۶. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، ۱۳۹۰ق، *لسان الميزان*، بيروت، مؤسسه اعلمي، دوم.
۷. ابن حزم، علي بن احمد، بی تا، *المحلى*، بيروت، دار الفكر.
۸. ابن سعد، محمد، بی تا، *طبقات الكبرى*، بيروت، دار صادر.
۹. ابن شاذان، فضل، ۱۳۶۳، *الايضاح*، تحقيق سيد جلال الدين محدث، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، اول.
۱۰. ابن عقده كوفي، ابو العباس، بی تا، *فضائل امير المؤمنين*، تجميع عبد الرزاق محمد حسيني.
۱۱. ابو داوود طيالسي، سليمان، بی تا، *مسند*، بيروت، دار المعرفة.
۱۲. ابو يعلى، احمد بن علي بن مثنى، ۱۴۱۲ق، *مسند ابى يعلى*، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دار المأمون، اول.
۱۳. احمد حنبل، ابو عبدالله شيباني، بی تا، *مسند*، بيروت، دار صادر.

١٤. اردبيلي، احمد بن محمد، ١٤١٤ق، *مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الاذهان*، قم، مؤسسه نشر اسلامي، اول.
١٥. اردبيلي احمد بن محمد، ١٤١٧ق، *الحاشية على الهيئات الشرح الجديد للقوشجي*، تحقيق احمد عابدي، قم، بوستان كتاب، اول.
١٦. اسكافي، ابو جعفر، ١٤٠٢ق، *المعيار و الموازنة في فضائل الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب*، تحقيق محمودي.
١٧. اشعري، ابوالحسن، ١٤١٠ق، *مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين*، تحقيق هلموت، بيروت، دار احياء التراث العربي.
١٨. الباني، ناصر الدين، بي تا، *السلسلة الضعيفة*، رياض، مكتبة المعارف، اول.
١٩. بحراني، يوسف، ١٣٦٣، *الحدائق الناضرة*، قم، انتشارات جامعه مدرسين، اول.
٢٠. برسوي حقي، اسماعيل، ١٤١٠ق، *تفسير روح البيان*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٢١. برقي، احمد بن خالد، ١٣٧٠ق، *المحاسن*، تحقيق سيد جلال الدين محدث، تهران، دار الكتب الاسلامية.
٢٢. بروجردي، حاج آقا حسين، ١٣٩٩ق، *جامع احاديث الشيعة*، قم، مطبعه علميه.
٢٣. بغوي، عبدالله بن محمد، ١٤١٧ق، *مسند ابن الجعد*، محقق عامر احمد حيدر، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٤. بيهقي، ابوبكر احمد بن حسين بن علي، بي تا، *السنن الكبرى*، بيروت، دار الفكر.
٢٥. تستري، قاضي نور الله، ١٣٦٧ق، *الصوارم المهرقة في جواب الصواعق المحرقة*، تصحيح جلال الدين محدث، تهران، چاپخانه نهضت.
٢٦. تفتازاني، سعد الدين، ١٤٢٢ق، *شرح مقاصد*، با تعليقه ابراهيم شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، اول.
٢٧. — بي تا، *شرح عقائد نسفيه*، تحقيق عدفان درويش، بيروت، دار الكتب العلمية.
٢٨. جاحظ، ابي عثمان عمرو بن بحر، ١٣٧٤ق، *العثمانية*، تحقيق عبد السلام محمد هارون، مصر، دار الكتاب العربي.
٢٩. حاكم نيشابوري، ابي عبدالله، بي تا، *المستدرک على الصحيحين*، تحقيق يوسف عبدالرحمن المرعشلي، بيروت، دارالمعرفة.

۳۰. حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی اکبر عفری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳۱. حمیدی، محمد بن فتوح، ۱۴۲۳ق، *الجمع بین الصحیحین*، بیروت، دار ابن حزم.
۳۲. حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل البيت.
۳۳. خلال، احمد بن هارون، ۱۴۱۰ق، *كتاب السنة*، ریاض، دار الراهة.
۳۴. دولابی، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *الكنی و الاسماء*، تحقیق ابو قتیبة الفاریانی، بیروت، دار ابن حزم.
۳۵. رازی، فخر الدین، بی تا، *المسائل الخمسون فی اصول الدین*، تحقیق احمد حجازی السقا، قاهره، المكتبة الثقافی.
۳۶. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ق، *الخرائج و الجرائح*، تحقیق سید محمد باقر ابطحی، قم، مؤسسه امام مهدی عج، اول.
۳۷. رحمانی، احمد، ۱۴۱۷ق، *الامام علی بن ابی طالب*، تهران، انتشارات منیر، اول.
۳۸. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو، ۱۴۱۲، *ربیع الابرار و نصوص الاخیار*، ج ۵، تحقیق عبدالامیر المهناء، بیروت، مؤسسه اعلمی.
۳۹. سامی نشار، علی، بی تا، *نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام*، ج ۲، قاهره، دارالمعارف.
۴۰. سعید فوده، بی تا، *اللمعات فی العقائد توضیح لكتاب لمع الادلة فی عقائد الملة لامام الحرمین الجوینی*.
۴۱. سید بن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، ۱۴۱۵ق، *اقبال الاعمال*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مكتبة الاعلام الاسلامی، اول.
۴۲. ———، ۱۴۱۶ق، *الملاحم و الفتن*، تحقیق مؤسسه صاحب الامر عج، اصفهان، مؤسسه صاحب الامر، اول.
۴۳. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، بی تا، *الملل و النحل*، بیروت، دارالمعرفة.
۴۴. شهید ثانی، زین الدین بن احمد عاملی، ۱۴۰۹ق، *حقائق الایمان*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول.
۴۵. شیخ بهائی، محمد بن الحسین، ۱۴۲۲ق، *الاربعون حدیثاً*، قم، انتشارات اسلامی.
۴۶. صافی، لطف الله، ۱۳۹۷ق، *امان الامة من الاختلاف*، قم، چاپخانه علمیه، اول.

۴۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، ۱۴۰۵ق، *کمال الدین و تمام النعمه* - تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی.
۴۸. _____، ۱۴۰۴ق، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق شیخ حسین اعلمی، بیروت، منشورات اعلمی.
۴۹. _____، ۱۴۱۴ق، *الهدایه*، تحقیق مؤسسه امام هادی، قم، مؤسسه امام هادی، اول.
۵۰. الصعدی، عبد الرحمن محمد بن حمزه، بی تا، *درر الاحادیث النبویه بالاسانید الیحيویه*، تحقیق خالد محمد، صنعاء، مكتبة اليمن.
۵۱. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات*، تحقیق میرزا محسن کوجه باغی، تهران، منشورات اعلمی.
۵۲. صفدی، صلاح الدین خلیل، ۱۴۲۰ق، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الارنؤوط، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵۳. صنعانی، احمد بن یحیی المرتضی، بی تا، *البحر الزخار الجامع لعلماء الامصار*، صنعاء، مكتبة اليمن.
۵۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۷ق، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی عبد المجید سلفی، قاهره، مكتبة ابن تیمیه، دوم.
۵۵. _____، ۱۴۱۵ق، *المعجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله و عبد الحسین بن ابراهیم، قاهره، دار الحرمین.
۵۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۳ق، *دلائل الامامة*، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه البعثة، اول.
۵۷. طرسوسی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۳ق، *مسند عبد الله بن عمر*، بیروت، دار النفاش.
۵۸. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۰ق، *الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد*، تحقیق مكتبة جامع چهلستون، تهران، مطبعة خیام، اول.
۵۹. عاملی، علی بن یوسف، ۱۳۸۴ق، *الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم*، تصحیح محمد باقر محمودی، بی جا، المكتبة الرضویه، اول.
۶۰. فقیه ایمانی، مهدی، ۱۴۱۲ق، *سناخت امام یا راز رهایی از مرگ جاهلی*، قم، مؤلف، اول.

۶۱. قاری حنفی، ملا علی، بی تا، *خاتمه الجواهر المضيئة في طبقات الحنفية*، کراچی، میر محمد.
۶۲. _____ ۱۴۲۲ق، *مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح*، تحقیق جمال عیتانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول.
۶۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۱۶ق، *ینابیح المودة*، تحقیق علی جمال، تهران، دار الاسوة، اول.
۶۴. کراچی، ابو الفتح، ۱۳۶۹ش، *کنز الفوائد*، قم، مکتبة المصطفوی.
۶۵. کاشف الغطاء، جعفر، بی تا، *کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء*، اصفهان، انتشارات مهدوی.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ش، *اصول کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، دوم.
۶۷. ماحوزی، سلیمان بن عالم، ۱۴۱۷ق، *الاربعون حديثاً فی اثبات امامة امیر المؤمنین*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، چاپ امیر.
۶۸. متقی هندی، علی، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۶۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم.
۷۰. _____ ۱۴۲۱ق، *مروة العقول فی شرح اخبار الرسول*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، سوم.
۷۱. مسلم نیشابوری، ابن الحسن مسلم بن حجاج، بی تا، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر.
۷۲. مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۳ش، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف علی اصغر، قاهره، دار المعارف.
۷۳. مفید، محمد بن نعمان، (الف) ۱۴۱۴ق، *الاختصاص*، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دار المفید، اول.
۷۴. _____ ۱۴۱۴ق، (ب) *الافصاح فی امامة امیر المؤمنین*، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه البعثة.
۷۵. _____ ۱۴۱۴ق، (ج) *رسائل فی الغیبة*، تحقیق علاء آل جعفر، بیروت، دار المفید.

٧٦. — ١٤١٤ق، (د) *الفصول المختارة*، تحقيق سيدعلي شريفى، بيروت، دارالمفيد.
٧٧. نعمانى، محمد بن ابراهيم، ١٤٢٢ق، *كتاب الغيبة* تحقيق فارس حسون، قم، انوار الهدى، اول.
٧٨. نووى، محى الدين، بى تا، *المجموع*، بيروت، دار الفكر.
٧٩. هلالى، سليم بن قيس، بى تا، *كتاب سليم*، تحقيق محمد باقر انصارى زنجانى.
٨٠. هيشمى، نور الدين على بن ابى بكر، ١٤١١ق، *مجمع الزوائد*، ج ٥، دمشق، دارالثقافة العربية.



طالع

سال نهم - شماره ٣٤ - زمستان ١٣٨٩

١٣٤